



The Walters Art Museum
600 N. Charles Street
Baltimore, Maryland
21201

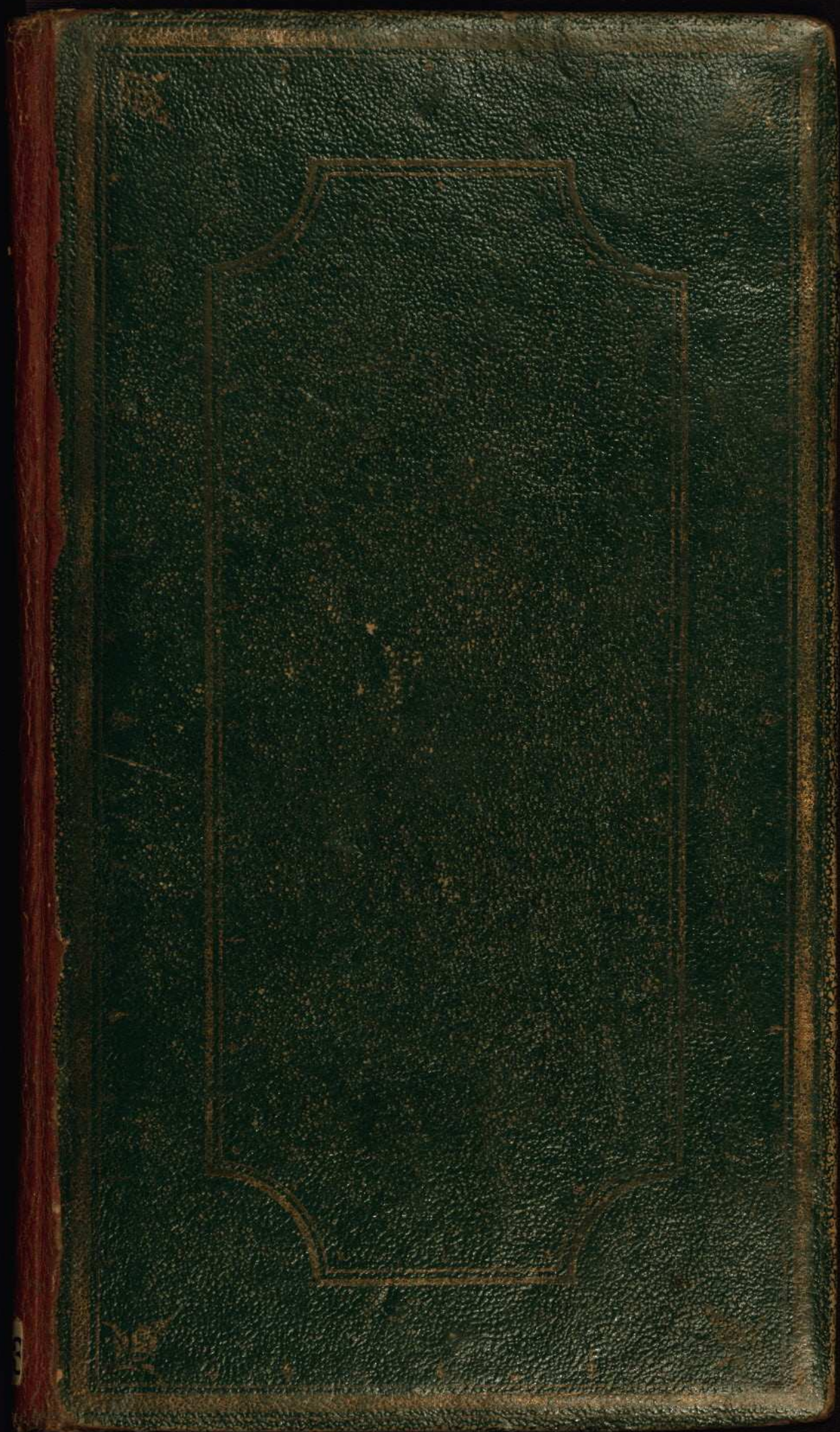
<http://www.thewalters.org/>



<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/legalcode>
Published 2009

NOTE: The pages in this book are ordered from right to left. This means that to view the pages in order, you should go the last page of the document and read what would be from “back-to-front” for a Western manuscript.

This document is a digital facsimile of a manuscript belonging to the Walters Art Museum, in Baltimore, Maryland, in the United States. It is one of a number of manuscripts that have been digitized as part of a project generously funded by the National Endowment for the Humanities, and by an anonymous donor to the Walters Art Museum. More details about the manuscripts at the Walters can be found by visiting The Walters Art Museum's website www.thewalters.org. For further information about this book, and online resources for Walters manuscripts, please contact us through the Walters Website by email, and ask for your message to be directed to the Department of Manuscripts.



۲۱۳

M-3-15

عجاوون

الطالبي

الذكر

الذكر



چندان کریم که کوه بکر دکل
نی روید و نه بای زار آمدازو

مارب ز د و کون نی نیازم کرده
ورافس هر سه هزارم کرده

در راه طلب محرم رازم کرده
باز نه که نه سوی نشست بازم کرده



مارانبود دیکے کہ خرم کرد
 خود دیکر کوی طرب کرد
 مرشدی عالم که مباروی بند
 دن دیکر کوی مارید عم کرد

مارانبود دیکے که کار اندازد
 خدایا که در دیکے مزار اندازد

کر رضا ست نیست همده
در رضا ست خود بلایانو

به آن رخ چهره الیم شسته
رک شسته ناموجه نه

کر چه اید شسته خوب
مست خور بار بار و بیهوش

عش جالبی دران مدام شست
 طیب اندیشش باینیا
 مرد از اوده کبر بلا رس
 عجب ارکله از خطا بود
 زانکدامین از دو حال چون
 با قضا نیست یا قضا نبود



بهوای قدوار پسر و
کرده مرغال بخت جوانها

تجربه راست گوشه دیر
پسین به افکانهات پانها

مباروم گوشه ای غم بر دل
دور به پیرم کمرانها

ای غنیمت شکر شادمانیا
وصل تو وصل کاهلوانیا

کرده ام کم کوی عشق می
بروی از داغ و غم و شادمانیا

نخست جوان عشق را طشت
پیاده بودن کز کشته دلوانیا

بالای تو مگر دینیت دارد
سر طشت که با بلا پیازد
کز خلق پیاز و آذین کار
دل شکست شوخ پیازد
یا من ز کس می بره برین
زنا وای عیسی کرد بر دوا



۳۹



سخت با قضا سازد
کار من مبتلا سازد

خواهم پست بجان خریدن
که با من بے نوا سازد

راه بند و تنگ تو چه
که صد سحر از بلا سازد

میبی خرد و فصیح و ادا از دریا
دینی زد و در شاه شای شایم کرد

چو دید یار مرا گفت چو کجاست
برو که بر تو ملاقات میتوانم کرد

ز سر گفت زاری چنان بر دست
که اعباس گشتند از تو و چایم کرد

غمزه را رخصت غناب ده
 خان مان ولی غناب بمن
 دواع یار کر ایستنی تو اقم کرد
 که پای بند بلا یار مد باقم کرد
 راغزنی غلط چه در شمشید
 جای مغرخت در اسپ خاتم کرد



ششم از نیمت خطاب مکن
شده را پند و خطاب مکن

ما مجنون غیر را بنجد مست خود
ما مراسوی خود خطاب مکن

بعد از آن که دشمن ای سک
یک زمان دید و را پند مکن



چرویت مرکزیم فی خیاطی
مراغ و جزو در خاطر کے دیکھی
ہاؤ بوم کہ چون دولت در یاد درم
بر مانی کہ کو شیدم اردو درمی
خیال رشت اپت و او در و درمی
نہالشت پیر پت و او درمی

ای حل راه امین کلمه نیست
بچه کردی که حجب باریک کرد

حسرت و عده نوصیاست
که بحر آرزو شکار کرد

داد جان از غمت ولی گفتند
که جان کرد و دیگر بایر نکرد

استخار سیدی از آن روز که تر تو دور است
 آت دده و کو می کما یخت
 زده که لطفت بود عده کار کرد
 بهر دست دم را سطر کرد
 نامه ندا شتم که در دل تو
 که دکاری بیج کار کرد





چشم ز کجی ز تو بازید
 که باید اد بروی تو فال نیست
 اگر کسی بلامت زیار بر تو
 مرا بهر چو کوئی اراده افروخت

اگر حدیث کتم شدیست
 که اندرون جلاحت پدید آید

پیدا شود ز اهل جهان شایسته را
که باز یونیم جانی جهان در کسی

در مهاد و دست بقدر رنج کنج
ماق بریر بار کران اورد کسی

مست او سپوار از توغنان ششم
اورا که گرفت غافل در کسی

از نامه منج ای یک یار
خواب از تو و با مپسائی رس

از بن چو دین غم خام
سیرامه در زند کلانی رس

دلرا اگر صبر جان آوردی
بنا که در دل زبان آوردی

با این همه در بانی ازین
رنجیده به بد بگانی ازین

دل از من و دستانی از تو
تغ از تو و جان فانی از من

جان بدیم ای صبا یار
ز نهار به در پیلتی ازین



۴۲
۱۳
کتاب خواندگار مشتمل بر
کتابت بعلی

گویند و پس از این و پس از آن تفاوت نیند
یولوم بولیه کر گفتار کردن را

نویسنده دعا ایام اول و آخر چوین
ما یک دعا ایام یک امین را

کل نعمت لار آید وای لایا
میل کل کسی پس راضیان را
فدیکدیک پیام سپردی فلک
اگر تو شادای راست بخین را
فراق بحر کیم و عد فیکدیک وصال
عجب لطف فیکدیک عیان کن را

پهلوانان
 عیسم روایه از ابد زود
 چو خواند مشرب جامی را سخن دان
 به شام عید و توانرا بد زود
 بنیک بی پور و چسپان
 بنچین بنیک بنیک این را



در بخت داریم اما پند
نه صدف اگر کوهر گنجی

ماورندان کجای که بحر
مانده در خنجر مبارک

رفتم از کویت که پستی شد
فیضی دوانه شد ای باد



دو که ما وای بلا شد جای
وای بر ما وای بر ما وای
رفته رفت عرصه عالم کرم
موبک استک جهان پیمای
می خضر عشق سرون کس
کوهر راز از ارباب در پائی



۹

۱۵۵

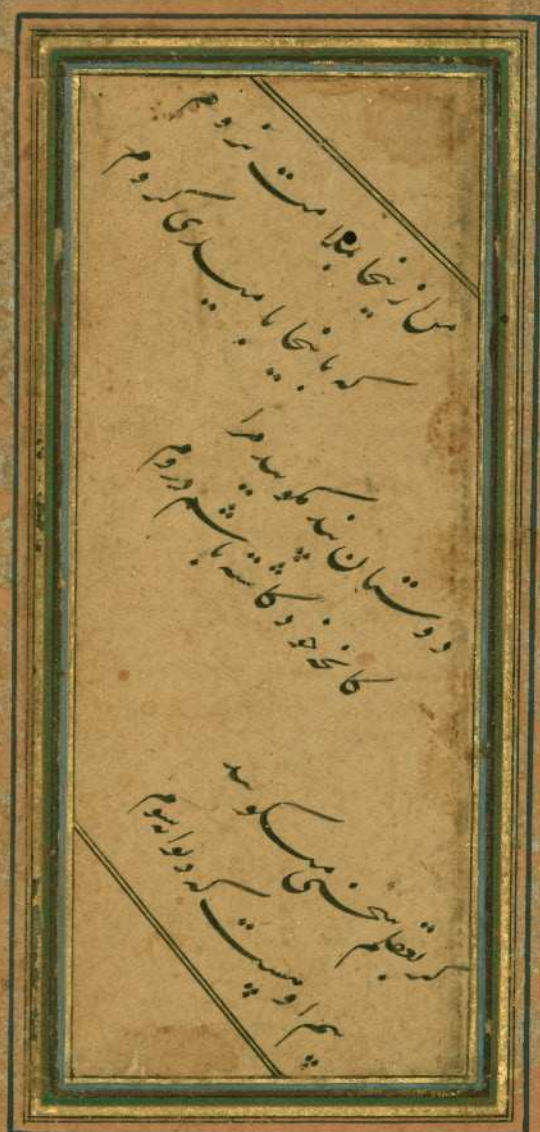


کوشش دل فتنه با و از پلای
نمونه که نصیحت شنوم

سعد یا گفت بخوابم سی
به وفا یارم اگر معینوم

دل از ز صبر جان آورد
مزانکه درد دل زمان آورد





سازنجان بجا بست نزد هم
که با نجان با بیدری کرد هم

دوستان نند که بیدار
کاخ خود دگشته باشند در هم

که بخت خشنی بس بود
هم او بپشت که در دلوایم بود

مرا حل قوت از یاد آورد
خام قوت ارجا در آورد

چه سد کرد و بدنت رفیم آورد
بک کوه را از یاد آورد

مرد در آن که نمی خوار بود
در محبت است که در مان پست

دلبران کلن وفا داری پسند
بی عاشق مجنون داری پسند

مرا کردی بدرد دل گرفتار
دلت در دگر قاری پسند

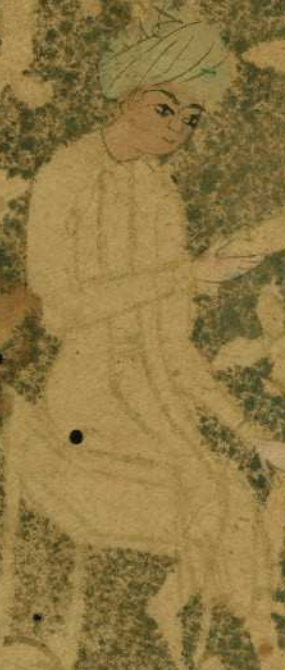
چنان از خیر کی بشنید ایام
که از یاران خود داری پسند





فانضار

خرد هیچ با هم سپرد
 منظره دید به مردم سپرد
 باد به باغ و تاجان بر فغان
 زرده خورشید بر افغان
 آورد از خون شکست
 وز کین نخل دها بست



کشتن افکار زیاده
وزیر این خاک چه بایدم

انگه رخ از عالم کشت تبافت
رایحه گلشن را حت یامت

شبنم از شب یاقوت
سفره ام از مطبخ حصی

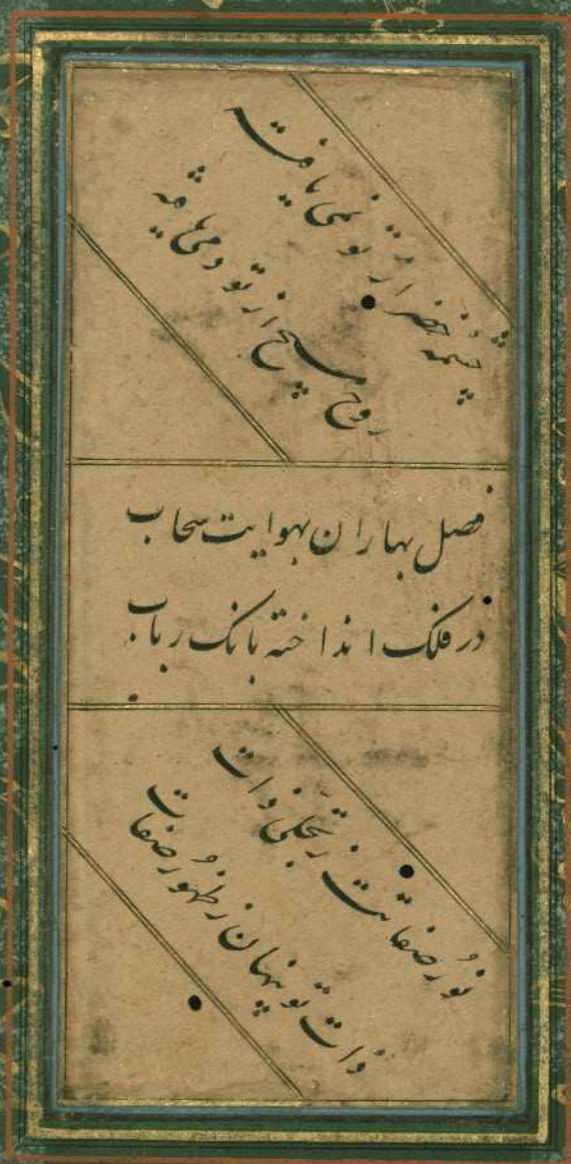


بدره کفین برافکن ز شمشیر
خود بوی صفت خود

نزدیک الملک چو اندر خطاب
سرخ و خرد که گوید جواب

چشم بدوران بیستی بدوز

بال عقابان سپهری پیوز



سینه خیز و نو نیاخت
روح از تو دمی می

فصل بهاران بهوایت سحاب
در فلک انداخته باک ربان

نور صفات ز تجلی ذات
دات پنهان ز ظهور صفات

ای شب قدر از وقت یک برات
بیکار از باغیات یک نبات

ز کعبه گلشن مینا ز پست
روشنی دیده پناست

منع روان فاخته طوق
بدر و فضل ز شوق

خوبی و نازکیت چنان کس
را چو کویب ز غم برشته

چند کوی بی رحم دل شده ام
بر حسن رحم کن اگر شده

مرکز ما محرابان بود
واجبست احوال زارین



و که از ماه خورشید شده
سین اندام و جسم شده
رازین چو در سلسله
افقور شید پرده در شده
آیند و خط بر ابردار
که در منظر هر نظر شده

او کران خواب رنجگوار
چو خیمه از درویش بار

خواب و شمع که کله ارد
خواب بر کرد و ده ام شبها

حق گفت و گوی بگوین
موت این آتشین زبان

چشم از چشمت
 آه چو بیاوردی
 باور زندی
 با کبر و دست
 ای قاصد پیغام
 در روزی که



کشت اگر کشت کیوی او پست
کمتر و غالب را بوی پست

که سخن پست که از سینه لید
در همه عالم و سخن گوی پست

نوی از پست که بپای پست
بوی پست و بوی پست

دل بجز او روی نیست
مسکین بجز او روی نیست

ح اگر امست که او ماه را
روی دیگر ماه و شان می

عد اگر امست که او سر را
روی راه دیوی نیست



تغییر کی کشیدہ می آید
سرسید وقت جاں سپاریا

فیضی از چہرہ کرد پاک من
مدہ از دست خاکسارینا

ما عزمہ بودیم تو پیوستہ ہم
شجبت کہ نیست بہم در دوا

اسک ما پیشه ز پرده برود
 نیست در عشق پرده واریها
 صد بلا میر پد بل از تو
 باشد انبیا میان یاریها
 مار عموئے سرم حاک
 شرط یاریست بر داریها



مخمس از شکست کویت
جبل نینین طوطی سکارا

منم و حبه و پتداریها
و مبدم و ناله ها و زاریها

نما میدم من زینم
کرد و دارم مبد و اریها

بزون خرام و روان سپاس پر و بالارا
 زیاده از سپاس قلممان ز سپارا
 شان ز عالم او ارکی بود بنور
 که ساخت عشق تو او آواره جهان را
 درون سرده ازین شیر میاشی کل
 که شب برک و نو ابلهان شیدا را





چه باید از دیده خون بخشید
که کام دل از دلکباب
ببینی که آشنایان زخم خوردم
بدگر طفت کردم از دمای

مادر بدین سخن سران
که گوید طبع برداشته ای



عیسیٰ کی دست پر نئی
 بود و مارا دوا بسیار
 چاکل بنوشتم که بشود
 که دودار دل بستلای
 دوم پی در اسک و حال
 رکوی تو خون آشیانی برآمد

ز خاکم و چین کجایه برآید
 زمر برک بوی و فانی برآید

بوی و از جاب همست و خود
 زمر سو که او را مایه برآید

بنا گوش کن کان منم کرد کویت
 و شهنشاهان که امانی برآید

بسیار لطیف چمن پری و نازی
که بیاورد اوشت در موز و کرم
بنغم که که نواز جایی
که از دیده و دل بفرماند
افغان و آید از و طره شب
چنان که مرغی که شب تابان

می کند ز درگفت نمی گویم
 ز وصلت جدا مانده ام چون گویم
 و از دین شودم بدیم یسار شودم
 نه مردم اگر مردم و نه دین گویم
 نه آب حکم مانده نه آب دیده
 نه از چرخ سی دامن که اکنون گویم



منفرد ز کلام و آب کبک است
سندداشت که دم ز ما ببرد

از تربت عاری و عناک
تا حشر کل و فابراید

کز عباری خاطر می دادیم
این سلطنت بکلیت بیامیزد

خون سپید تو از قبا بر آید
 دو دوازدهل میشت بکلا بر آید
 بکجان تو که کجا برم اردل
 این زردل ما بجای بر آید
 بار آید ز بخت دیدن تو
 حال منظرست با بر آید



پیشم که به جبر و یون
این خط که بر صفحه طاعت

است که خشن کنی نیست
در چشم در صحن طاعت

بایست آن منم که در چای ازل
بازای ز جام محبت شیده ام



روخوانی است اینک جایی
بود پیش در خواهران

ما رخت دل بمنزل حیرت کشیده ام
خط در سواد خطه راحت کشیده ام

فردا خدایا شکر بیاورم
وز دانه ای که ز فواید دایم

گرا نی که بر جان را که گیدم
چیم سپهر ننگا و جوان
ما از مرید در عالم سخن
نهادم بهم اندر را و جوان
زخو شیردشت جویند نیست
فروغ عارض چون ماه جوان
رود

بسته ای که فرمان توست
پدره از خانه چنان




جان می ار محسوس پراز نور دار
وزنم دوران دل و دوردا

شدم به تو شک راه فرمان
کی زن سوختم ای شاه فرمان



بایست این نظر نگار فام
از نظرش رونق دار پلام
که مرجان طوف کمر بنداو
طوحن دل صید شکو خنداو

بدره بدرار کرمش یکدم
خدیبرین در نظرش یک حرم



تکامل مبین در روش
دست رسالت زده در روش

شکست طبع فضا شاد خلیل
مخ جیم روش جلیل

و نیم صد فاضل
واسطه عفت پس

صلی علی روضه خرابوری
من موطا و پس بایض الهمدی

چشم و بطحا شمشیر ب حرم
کو سرکان حام دست کرم

کشف لبیر مطاروح الامین
بشیر حسن و حسن

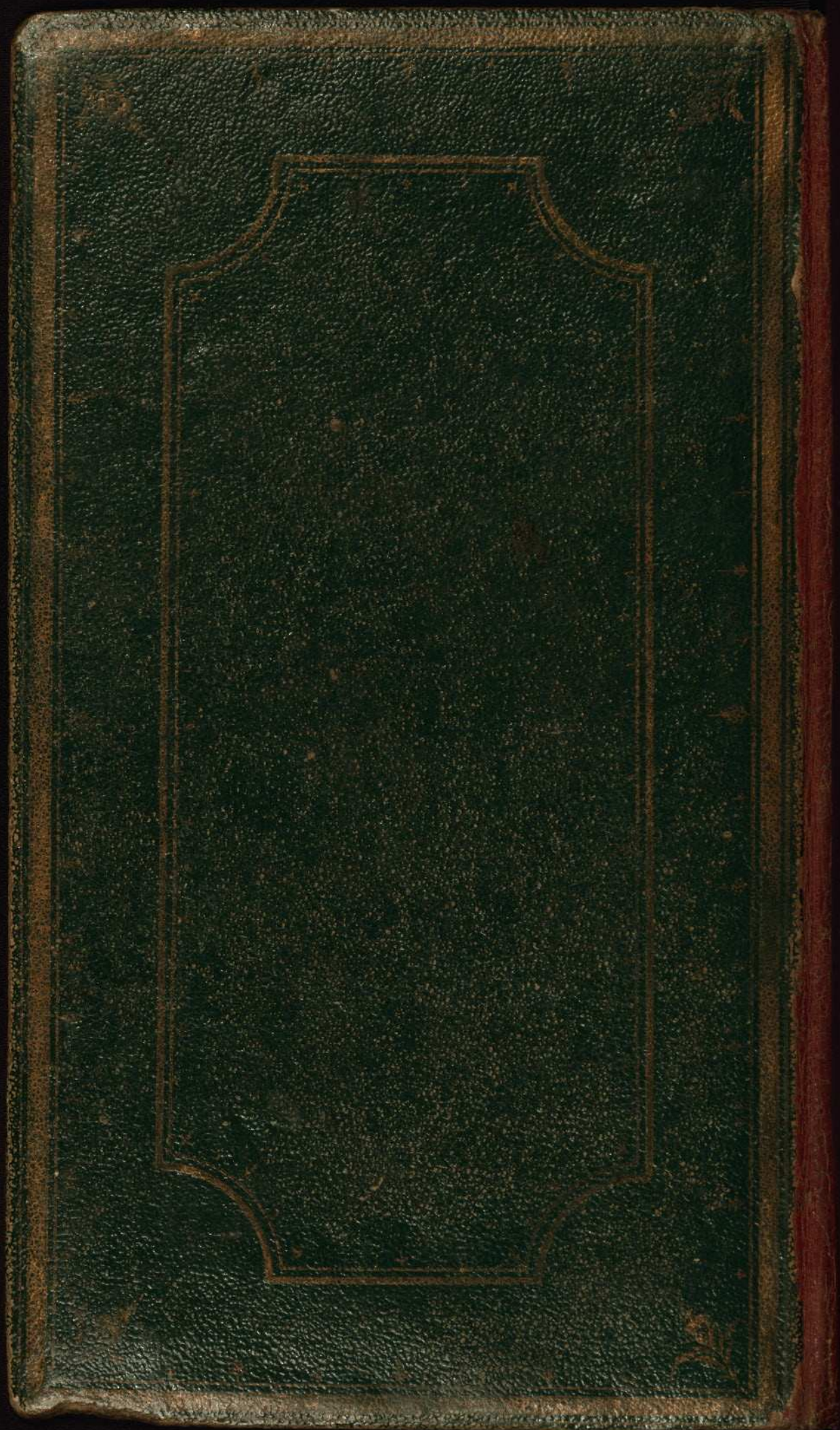
کمال

5th illustration
+ each page hand painted

2

W.653







The Walters Art Museum
600 N. Charles Street
Baltimore, Maryland
21201

<http://www.thewalters.org/>



<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/legalcode>
Published 2009

Label: A young man sits in a landscape reading a book of Persian poetry in the oblong format. The peach margins are decorated with another young man reading, another pouring wine, and an angel.

fol. 19b:

Title: Young man standing with pomegranate and book

Form: Illustration

Label: A young man stands in a landscape with a pomegranate in his right hand and a closed book close to his cheek in his left hand. The cream and marbled margins are stenciled with animal and floral forms.

fol. 24b:

Title: Young man playing flute with singing bird perched in a blossoming tree

Form: Illustration

Label: Seated in a stylized landscape, a youth plays the flute while looking up at a singing bird perched in a tree. The buff-colored margins are decorated with a man reading a book, a youth pouring wine, and an angel.

fol. 32a:

Title: Illuminated colophon with two goats in combat

Form: Colophon; marginal decoration

Label: This colophon appears to have been partially erased, with only the following clearly legible: fi shar-i Muḥarram al-ḥarām 115 (in the month of holy Muḥarram 1105 AH / 1693 CE).

Acquisition

Walters Art Museum, 1931, by Henry Walters bequest

Binding

The binding is not original.

Probably dates to the thirteenth century AH / nineteenth CE; green leather-covered boards with brown leather spine (no flap); marbled paper pastedowns

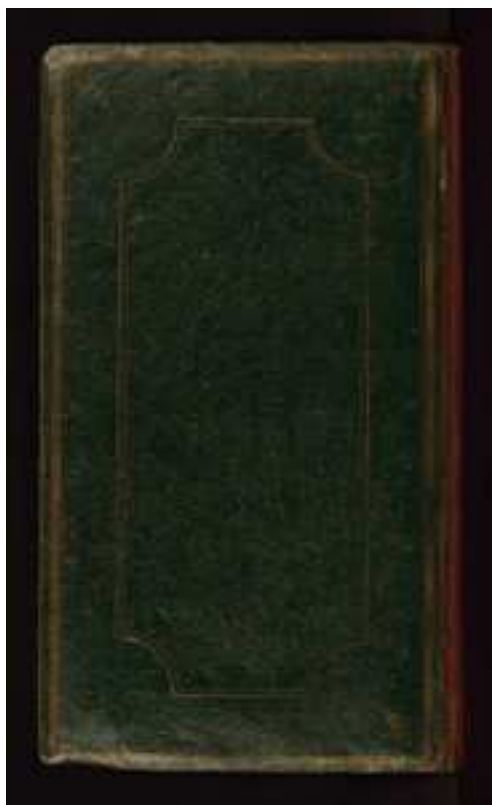
Collation	Catchwords: Written obliquely on versos
Dimensions	10.0 cm wide by 18.0 cm high
Written surface	3.5 cm wide by 9.0 cm high
Layout	Columns: 1 Ruled lines: 6 Written horizontally and obliquely; framing lines in orange, gold, blue, purple, and black
Contents	<p><i>fols. 1b - 32a:</i></p> <p><i>Title:</i> Muntakhabāt-i ash‘ār</p> <p><i>Incipit:</i></p> <p>صلی علی روضه خیر الوری من هو طائوس ریاض الہدی...</p> <p><i>Hand note:</i> Written in nasta‘līq script in black ink</p> <p><i>Decoration note:</i> Illustrations; colored margins decorated with stenciled, painted, and illuminated designs; framing lines in orange, gold, blue, purple, and black</p>
Decoration	<p><i>fol. 8b:</i></p> <p><i>Title:</i> Man seated in a landscape</p> <p><i>Form:</i> Illustration</p> <p><i>Label:</i> A corpulent man sits in a stylized landscape dressed in the Safavid style. The salmon pink margins are stenciled with animal and floral forms. The catchword at the lower left indicates that the following folio is missing.</p> <p><i>fol. 16b:</i></p> <p><i>Title:</i> Woman holding a vase of flowers in a landscape</p> <p><i>Form:</i> Illustration</p> <p><i>Label:</i> A middle-aged woman stands in a landscape, holding a vase of flowers. The salmon pink margins are stenciled with animal and floral forms. The catchword at the lower left indicates that the following folio is missing.</p> <p><i>fol. 17a:</i></p> <p><i>Title:</i> Seated man reading from a book of Persian poetry</p> <p><i>Form:</i> Illustration</p>

Shelf mark	Walters Art Museum Ms. W.653
Descriptive Title	Anthology of Persian poetry
Text title	Muntakhabāt-i ash‘ār <i>Vernacular:</i> <div>منتخبات اشعار</div>
	<i>Note:</i> Title supplied by cataloger
Abstract	This illuminated and illustrated anthology was compiled in 1105 AH / 1693 CE in Safavid Iran. The manuscript includes works by such poets as Jāmī, Azārī, Fayzī, Navā‘ī, and Sa‘dī. The margins of colored and marbled paper are decorated with stenciled, illuminated, and painted motifs, including an angel, a young man reading a book, a youth pouring wine, and various animals. There are five paintings in the codex (fols. 8b, 16b, 17a, 19b, and 24b). The green leather binding is not original to the codex and probably dates to the thirteenth century AH / nineteenth CE.
Date	Muḥarram 1105 AH / 1693 CE
Origin	Iran
Form	Book
Genre	Literary -- Poetry
Language	The primary language in this manuscript is Persian.
Colophon	32a: Transliteration: fī shar-i Muḥarram al-ḥarām /1/ 115 /2/ Translation: In the month of holy Muḥarram Comment: Colophon erased except for the date, which appears to have been retouched or altered
Support material	Paper Colored and marbled paper with stenciled, painted, and illuminated designs
Extent	Foliation: 32 Hindu-Arabic figures indicating thirty-three folios; statement on fol. 32b giving forty-four folios; codex misbound with a number of leaves missing

This document is a digital facsimile of a manuscript belonging to the Walters Art Museum, in Baltimore, Maryland, in the United States. It is one of a number of manuscripts that have been digitized as part of a project generously funded by the National Endowment for the Humanities, and by an anonymous donor to the Walters Art Museum. More details about the manuscripts at the Walters can be found by visiting The Walters Art Museum's website www.thewalters.org. For further information about this book, and online resources for Walters manuscripts, please contact us through the Walters Website by email, and ask for your message to be directed to the Department of Manuscripts.



A digital facsimile of Walters Ms. W.653, Anthology of Persian poetry
Title: Muntakhabāt-i ash‘ār



Published by: The Walters Art Museum
600 N. Charles Street Baltimore, MD 21201
<http://www.thewalters.org/>



<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/3.0/legalcode>
Published 2011